

رابطه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض در زنان متأهل

مریم قائم مقامی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۸

سیمین حسینیان^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰

رؤیا رسولی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و روش‌های حل تعارض در بین زنان متأهل است. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران هستند که به صورت تصادفی ساده، سه دانشگاه، تهران، شهید بهشتی و الزهرا(س) انتخاب شدند، در هر دانشگاه، دانشجویان به طور مساوی از هر یک از چهار گروه آموزشی فنی، علوم انسانی، علوم پایه و هنر، به روش در دسترس انتخاب شدند. حجم گروه نمونه شامل ۲۱۰ دانشجوی متأهل زن می‌باشد. ابزارهای اندازه‌گیری شامل:

(۱) پرسشنامه تجارب شخص در روابط صمیمانه (که به ارزیابی سبک‌های دلبستگی می‌پردازد، والر، فرالی و برنان).

(۲) پرسشنامه شیوه‌های حل تعارض (آرکر، دیسای و سالتزمن) می‌باشد.

داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون گام به گام از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد بین شیوه‌های حل تعارض با سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه در مورد سبک دلبستگی ایمن و شیوه مذاکره (درجهت مثبت) و بین سبک دلبستگی ایمن و شیوه خشونت روانی (در جهت منفی) در سطح $P < 0/01$ قوی‌تر بود. همچنین سبک دلبستگی اضطرابی با شیوه‌های حمله جسمانی و خشونت روانی (درجهت مثبت) و با شیوه مذاکره (در جهت منفی)، رابطه معناداری دارد. همچنین براساس نتایج تحلیل رگرسیون، سبک دلبستگی ایمن، بهترین پیش‌بینی کننده برای شیوه مذاکره و خشونت روانی است. سبک دلبستگی اضطرابی توان تبیین شیوه مذاکره را نیز دارد.

کلید واژه: سبک‌های دلبستگی، شیوه‌های حل تعارض، زنان متأهل.

Mghaemmaghani40@gmail.com

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی

Hosseinian@alzahra.ac.ir

۲- استاد دانشگاه الزهرا(س)

R.rasouli@alzahra.ac.ir

۳- استادیار دانشگاه الزهرا(س)

مقدمه

سیستم خانواده در زمره مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحد اجتماعی، هم‌کانون رشد و تکامل، التیام و شفا دهندگی و هم‌بستر فروپاشی روابط میان اعضا می‌باشد (شعاع کاظمی و سیف، ۱۳۸۹). اما متأسفانه در دوران معاصر خانواده در معرض تنش‌ها و مشکلات فراوانی قرار دارد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مشکلات خانوادگی و اختلافات بین زوجین به صورت روزافزون رو به افزایش است که این اختلافات باعث کاهش رضایت زوجین از زندگی زناشویی می‌گردد (تانی گوجی^۱، فریمن^۲، تیلور^۳ و مالکارنی^۴، ۲۰۰۶). گاهی نشانه‌های نارضایتی زوجین به حدی می‌رسد که یکی از سخت‌ترین حوادث زندگی افراد یعنی طلاق به وقوع می‌پیوندد (خوشابا^۵، ۲۰۱۴)، این طلاق و نارضایتی نه تنها بنیان خانواده را به مخاطره می‌اندازد، بلکه تهدیدی جدی برای جامعه محسوب می‌شود. سازمان آمار و ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۱ اعلام کرد که به ازای هر ۱۰۰ پیوند، ۱۸ طلاق ثبت می‌شود که این رقم نسبت به سال ۱۳۸۷، ۱/۵ برابر افزایش داشته است. دل‌بستگی به کیفیت ارتباط عاطفی فرد به مراقب اولیه‌اش (که معمولاً مادر است) مربوط می‌شود. در این ارتباط ویژه است که فرد برای اولین بار احساسی از عشق و ایمنی و آسایش و مراقبت با فرد دیگر را تجربه می‌کند. این پایه و اساسی است که به فرد اجازه می‌دهد شجاعانه جهان اطرافش را کشف کند و به عنوان فردی

۱- Taniguchi
 ۲- Freeman
 ۳- Taylor
 ۴- Malcarne
 ۵- Khoshaba

مجزا و منحصر به فرد رشد کند (آتنا^۱، ۲۰۱۳)، سبک دلبستگی فرد در کودکی می‌تواند به عنوان پیش‌بینی کننده‌ای قوی برای دلبستگی فرد در بزرگسالی و در روابط عاشقانه عمل کند (ادیب، ۱۳۸۷). به‌کارگیری راهبرد حل تعارض سالم برای نگهداشتن روابط مثبت و سازنده لازم است. معمولاً افراد با الگوبرداری از والدین‌شان یاد می‌گیرند که چگونه تعارض را مدیریت کنند و از طرفی چگونگی پیوند فرد با مراقب اولیه‌اش بر چگونگی برخورد او با تعارض اثر می‌گذارد. افراد واجد دلبستگی ایمن محترمانه و مؤثر مشکل خود را حل می‌کنند درحالی‌که افراد واجد دلبستگی اضطرابی توجه‌طلب هستند (حتی توجه منفی) و در تعارضات از شیوه‌های خصومت‌آمیز استفاده می‌کنند، بپتیست فهمید که بررسی روابط متقابل بین فرآیند احساسی - عاطفی در خانواده‌های مبدأ و دلبستگی‌های نایمن کمک می‌کند تا بهتر بتوان ریشه‌های حل تعارض ناکارآمد را شناسایی و درمان کرد. (بپتیست^۲، تامپسون^۳، هاردی^۴، نورتون^۵ و لینس^۶، ۲۰۱۲). همسران اضطرابی گرایش بیشتری به خشم شدید دارند، درحالی‌که همسران اجتنابی خصومت شدیدی را تجربه می‌کنند و این خصومت را به همسرشان نسبت می‌دهند (جانسون^۷، ۲۰۰۴؛ به نقل از رسولی و پوراابراهیم، ۱۳۸۹). همچنین افراد با دلبستگی نایمن (اضطرابی)، به دلیل ترس از طردشدن در تعارضات هنگامی‌که همسرشان خشمگین است، بیشتر گرایش به تسلیم دارند اما هنگام آرام‌تر بودن شریک‌شان، بیشتر جروبحث می‌کنند (مورفی^۸ و والریا^۹، ۲۰۱۲). تحقیقات نشان

۱- Athena
 ۲- Baptist
 ۳-Thompson
 ۴- Hardy
 ۵- Norton
 ۶- Linc
 ۷- Johnson
 ۸- Murphy
 ۹- Valeria

می‌دهد سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض با رضایت از زناشویی رابطه دارند (شمس نطنزی، ۱۳۹۱؛ دیباجی و همکاران، ۱۳۸۸؛ تیموری آسفچی، ۱۳۸۸). از طرفی می‌دانیم که زنان، هسته مرکزی انرژی در خانواده می‌باشند، در نتیجه سلامت زن به مفهوم ایجاد انرژی و پویایی لازم در خانواده و انعکاس آن در جامعه می‌باشد (گلمکانی، درمحمدی و مظلوم، ۱۳۹۲). حال که اهمیت و نقش تأثیرگذار متغیرهای سبک دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض بر استحکام خانواده و اهمیت انجام پژوهش در مورد زنان به عنوان هسته مرکزی خانواده روشن شد، لزوم بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض در مورد زنان، بیش از پیش مشخص می‌شود تا بتوان با استفاده از تحقیقاتی از این دست، به مشاوران و روان‌شناسان دلسوز کمک کرد تا با شناخت و ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر مشکلات زناشویی و به کارگیری راه‌حل‌های عملی، خدمات شایان توجهی به مراجعان خود ارائه دهند تا با امید به خدا در آینده کمتر شاهد مشکلات زوجین و پدیده اسفناک طلاق باشیم و اینکه زوجین بتوانند با زندگی در محیط زناشویی آرام، فرزندان سالم تربیت کنند تا در نهایت از داشتن جامعه‌ای سالم با افراد سالم برخوردار باشیم.

آتنا (۲۰۱۳)، در یک مطالعه توصیفی به بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی در کودکی بر روابط و نحوه مقابله با تعارض زوجین در آینده پرداخت. این پژوهش در یک نمونه به حجم ۷۳ نفر انجام شد و نشان داد که سبک‌های دلبستگی دوران کودکی زوجین بر توانایی افراد برای بهبود درگیری‌ها در روابط بزرگسالی مؤثر است. زوجین با دلبستگی ایمن در کودکی انعطاف‌پذیرتر هستند و راحت‌تر مشکل خود را حل می‌کنند. همچنین بپتیست^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه خود درباره ۲۰۳ بزرگسال جوان در زمینه تأثیرات سبک دلبستگی بر شیوه‌های حل تعارض

۱- Baptist

بزرگسالان بیان کردند که اولاً افراد در کودکی یاد می‌گیرند که چگونه تعارض را مدیریت کنند و این را از طریق الگوبرداری از والدین خود می‌آموزند. همچنین پیوند اولیه کودک با مراقب اولیه‌اش بر چگونگی حل تعارضات اثرگذار است. افرادی که دلبستگی ایمن دارند، اغلب می‌توانند مشکلاتشان را به صورت محترمانه و مؤثر حل کنند، آنها زمان معذرت خواهی را تشخیص می‌دهند و مشتاق مصالحه هستند. در طرف مقابل افراد با دلبستگی نا ایمن نمی‌توانند موقعیت‌ها را به صورت دوستانه مدیریت کنند و یا پرخاش می‌کنند یا به عقب‌نشینی و سکوت تمایل دارند. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی توجه‌طلب هستند. بی‌تبیست فهمید که بررسی روابط متقابل بین فرآیند احساسی- عاطفی در خانواده‌های مبدأ و دلبستگی‌های نا ایمن کمک می‌کند که بهتر بتوان ریشه‌های حل تعارض ناکارآمد را شناسایی و درمان کرد. در پژوهش دیگری مورفی و والریا^۱(۲۰۱۲)، به بررسی دلبستگی اضطرابی و عکس‌العمل‌های متناقض به تعارض در زوج‌های رمانتیک پرداختند. آنها در پژوهش خود سه مطالعه انجام دادند. در مطالعه اول بیان کردند که تهدیدهای مربوط به واپس‌زنی سیستم دلبستگی را فعال می‌کند تا این سیستم دلبستگی افراد مضطرب را برای تسلیم و پذیرش در روابط و نزدیکی روان‌شناختی به شریکشان با انگیزه کند. در مطالعه دوم زنان یک سناریوی ساختگی از تعارض را خواندند که در آن سلايق و عقاید آنها با شریکشان در تضاد بود، زنان خیلی مضطرب گزارش کردند که بیشتر احتمال دارد از آرزوهایشان به‌خاطر طرد نشدن از سوی زوج خود چشم‌پوشی کنند. در مطالعه سوم طی ۱۰ روز تعارضات زندگی واقعی این زوج‌ها بررسی شد، افراد با دلبستگی اضطرابی کیفیت پایین فعل و انفعالات و تعارضات بیشتر با زوج خود را گزارش کردند. در نتیجه‌گیری کلی پژوهش نشان داده شد که افراد با دلبستگی اضطرابی خصومت بیشتری نسبت به

شریک خود درک کردند. آنها زمانی که زوجشان خشمگین بود، گرایش به تسلیم داشتند و هنگام آرام تر بودن شریکشان، بیشتر جر و بحث می کردند، در تحقیقی با عنوان گرایشات دلبستگی و تعاملات روزمره که توسط برن بام، میکولینسر و گیلات در سال ۲۰۱۱ انجام شد، گروه نمونه شامل ۴۸ زوج بود که به آنها گفته شده بود طی ۲۱ روز تعاملات روزمره خود را گزارش کنند. نتایج بیانگر این بود که دلبستگی اضطرابی با آرزو برای صمیمیت ارتباط داشت و افراد اضطرابی دیگران را مهربان تر گزارش می کردند. در مقابل دلبستگی اجتنابی با آرزوهایی مربوط به کناره گیری ارتباط داشت و افراد اجتنابی خود و دیگران را بیشتر پرخاشگر معرفی می کردند. تعاملات منفی زوجین، عادت های کناره گیری را افزایش می داد. در رابطه با تعاملات بسیار منفی (که گاه با رفتارهای ضربه زننده همراه بود)، افراد اضطرابی خود را بیشتر کمک رسان مجسم می کردند و افراد اجتنابی کمتر خود را به عنوان فرد کمک رسان مجسم می نمودند. همچنین ارین^۱، آماندا^۲، جوزف^۳ و نل^۴ (۲۰۱۰)، در تحقیقی به بررسی ارتباط سطوح دلبستگی ناایمن و سبک های دلبستگی در روابط عاشقانه جوانان در نمونه ای متشکل از ۹۳ جوان پرداختند. نتایج نشان داد که سطوح بالای پریشانی - ناامنی و بی اعتنایی - ناامنی می تواند خشونت نسبت به زوج (که یکی از شیوه های حل تعارض است) را در چهار سال بعد پیش بینی کند. همچنین دلبستگی اضطرابی با والدینی که مشکلات روان شناختی و ارتکاب به خشونت داشتند ارتباط داشت. کارین^۵ (۲۰۰۶) در تحقیق خود تحت عنوان دلبستگی و تعارض در روابط صمیمانه، دلبستگی افراد هم در پیوند با مراقب اولیه و هم در روابط کنونی بر روی ۸۳ زوج مطالعه کرد و این طور نتیجه گرفت که بین

۱- Erin

۲- Amanda

۳- Joseph

۴- Nell

۵- Karin

تأثیر کنونی مدل‌های رایج دلبستگی مراقب اولیه و تأثیر رایج مدل‌ها از دلبستگی همسر در متغیرهای رابطه، تفاوت‌هایی وجود دارد. رضایت از رابطه و عقاید مربوط به تعارض متأثر از دلبستگی فرد با همسرش بود درحالی‌که سبک‌های حل تعارض بالاخص حل مشکل به صورت مثبت و کناره‌گیری و شکایت از مفهوم‌سازی کنونی فرد از دلبستگی با مراقب اولیه تأثیر پذیرفته بود. در ایران نیز پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده که از آن جمله می‌توان به پژوهش ادیب (۱۳۸۷) اشاره کرد. وی در پژوهش خود با عنوان بررسی و مقایسه الگوهای تعارض زوجین با سبک‌های متفاوت دلبستگی که بین ۱۷۵ زوج در استان کرمان و به روش همبستگی انجام شد، به این نتیجه رسید که سبک دلبستگی بر الگوهای تعارض افراد تأثیر دارد. افراد با سبک دلبستگی ایمن تعارض کمتری را تجربه می‌کنند. از طرفی نتایج مدل معادلات ساختاری در پژوهش خجسته مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱) با عنوان نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه با سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی که بر روی ۱۳۰ نمونه از زنان متأهل شهر همدان به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انجام شد، نشان داد که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به صورت مستقیم بر کیفیت زناشویی زنان تأثیر ندارد و تأثیر آنها به صورت واسطه‌ای و از طریق اسنادهای ارتباطی علی و مسئولیت و راهبردهای حل تعارض سلطه‌گرانه و اجتنابی است. این نقش به این صورت است که در واقع زوجین ناایمن براساس مدل‌های ذهنی خود که منبعث از دلبستگی ناایمن در روابط اولیه کودکی می‌باشد، در روابط بزرگسالی نیز همواره از ترک و طرد شدن، پذیرفته نشدن و دوست داشتنی نبودن خود و دیگران ترس دارند. لذا پیوسته در زمینه‌های ارتباطی خود گوش به زنگ نشانه‌هایی هستند که روان‌سازهای شناختی آنها را تأیید کند، در نتیجه هنگام وقوع یک گفتگو یا رفتار منفی فعال‌کننده، زوج ناایمن با توجه به این فرضیات ذهنی،

شروع به فرایند اسناددهی به شیوه منفی می‌کنند و دلایل رفتار منفی همسر خود را پایدار و غیرقابل تغییر تعبیر کرده و آنها را به کل شخصیت و به کل حوزه‌های روابط او تعمیم دهند. در نتیجه فرایند پردازش اطلاعات منفی گرایانه در ذهن زوج نایمن، می‌تواند به صورت رفتارها و تعاملات منفی، خشم و دلسردی از روابط و تعارض شدید بروز کند که در نهایت باعث کاهش کیفیت زناشویی و رضایت زوجین از رابطه می‌شود.

با توجه به پیشینه موجود و با توجه به اینکه تحقیقاتی که در این زمینه در ایران انجام شده اندک کم بوده و نیز نتایج آنها متفاوت بوده است، لزوم انجام پژوهشی برای بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض مشخص می‌شود. همچنین نکته‌ی مهم دیگر این است که در تحقیقات انجام شده در این زمینه از ابزارهایی متفاوت با ابزار مورد استفاده در این پژوهش استفاده شده که این خود می‌تواند به تعمیم نتایج کمک کند. بنابر مطالب مطرح شده، فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

- بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض رابطه وجود دارد.
- سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده شیوه‌های حل تعارض هستند.

روش

طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان زن متأهل مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که در ابتدا از بین کلیه دانشگاه‌های دولتی شهر تهران سه دانشگاه به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند که این دانشگاه‌ها شامل دانشگاه تهران، شهید بهشتی و الزهرا(س) بود. قرار بر آن شد که در هر دانشگاه ۷۰ پرسشنامه پر شود که در کل ۲۱۰ پرسشنامه داشته باشیم. سپس برای کنترل متغیر مداخله‌گر رشته تحصیلی، در هر دانشگاه تعداد پرسشنامه‌ها بین ۴

گروه آموزشی علوم پایه، فنی، علوم انسانی و هنر تقسیم شد. سرانجام در این بخش به روش در دسترس، دانشجویها انتخاب شدند، سپس از آنها خواسته شد تا پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت شناختی، شیوه‌های حل تعارض و سبک‌های دلبستگی را پر نمایند. البته سعی شد اعتماد آزمودنی‌ها مبنی بر محرمانه بودن و رازداری جلب گردد، همچنین به خاطر رعایت مسائل اخلاقی، نام آزمودنی‌ها پرسیده نمی‌شد. به طور کلی پرسشنامه‌ها توسط ۲۱۰ نفر تکمیل شد. در این مرحله، داده‌ها وارد نرم افزار SPSS شد و با استفاده از آن، ضریب همبستگی پیرسون روی داده‌ها اجرا شد.

اطلاعات لازم در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت شناختی، شیوه‌های حل تعارض و سبک‌های دلبستگی به دست آمده است.

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی

سؤالات مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی شامل سن، سن همسر، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، شغل و رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل بود که توسط خود آزمودنی‌ها پاسخ داده شد.

پرسشنامه شیوه حل تعارض (CTS^۱)

این مقیاس به وسیله آرکر^۲، دیسای^۳ و سالتزمن^۴، ۲۰۰۱؛ تدوین شده و در سال ۱۳۹۰ توسط پناغی و همکاران در پژوهشکده خانواده شهید بهشتی، در ایران ترجمه و اعتباریابی شده است. در این پرسشنامه شیوه‌های حل تعارض شامل سه خرده مقیاس حمله، خشونت روانی و مذاکره می‌باشد. روایی واگرا و همگرایی این مقیاس با استفاده از خرده مقیاس‌های پرسشنامه تأیید شد. نتایج تحلیل عاملی

۱- Conflict Tactics Scale- Revised

۲- Archer

۳- Desai

۴- Saltzman

اکتشافی نشان داد که در نمونه ایرانی پژوهش، تحلیل سه عاملی با استفاده از سه خرده مقیاس حمله، خشونت روانی و مذاکره نسبت به سایر تحلیل‌ها مناسب‌تر است. همین‌طور این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن از همسانی درونی مناسبی برخوردار هستند (آلفای کرونباخ بین ۰/۶۶ تا ۰/۸۶). به‌طور کلی، نتایج پژوهش پناغی و همکاران نشان داد که مقیاس تجدیدنظر شده شیوه‌های حل تعارض از روایی و پایایی مناسبی در جامعه ایرانی برخوردار است. می‌توان گفت این مقیاس یک ابزار خودگزارش‌دهی مفید و کارآمد برای اهداف پژوهشی و مشاوره‌ای زوجین است. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه به این صورت است که بر حسب نمره میانی به شکل زیر نمره داده می‌شود: ۰:۰، ۱:۱، ۲:۲، ۳:۴، ۴:۸، ۵:۱۵، ۶:۲۵، ۷:۰.

پرسشنامه تجارب شخص در روابط صمیمانه - تجدید نظر شده

به منظور ارزیابی سبک دلبستگی بزرگسالان و توسط والر^۱، فرالی^۲ و برنان^۳ (۲۰۰۰) تدوین شده است که در ایران پیوسته‌گر در سال ۱۳۸۵ آن را ترجمه و اعتباریابی کرد. این مقیاس ۳۶ سؤال دارد که ۱۸ سؤال آن دلبستگی اضطرابی را محاسبه می‌نماید و ۱۸ سؤال دیگر آن دلبستگی اجتنابی را نشان می‌دهد. این پرسشنامه سبک دلبستگی فرد را در حال حاضر تعیین می‌کند. پژوهشگر میزان اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آزمون - بازآزمون به‌دست آورده است. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۶۲، برای سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۶۸ و برای سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۸۴ بود. نمره‌گذاری هر فرد براساس علامتی که آزمودنی در مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در جلوی هر سؤال می‌زند، محاسبه می‌شود. به این صورت که به مربع ۱ (کاملاً مخالفم) یک نمره و به

۱- Valler
۲- Phraly
۳- Bernan

مربع ۷ (کاملاً موافقم) ۷ نمره تعلق می‌گیرد. به این صورت مقیاس رتبه‌ای لیکرت با تبدیل به نمرات و استفاده از مقیاس فاصله‌ای در تحلیل‌ها به کار می‌رود. با توجه به دو زیرمقیاس اضطرابی و اجتنابی که در این پرسشنامه مورد قضاوت آزمودنی قرار می‌گیرد، ۲ نمره محاسبه می‌گردد. جهت محاسبه دلبستگی اضطرابی آزمودنی میانگین نمرات سؤالات مربوط به اضطراب محاسبه می‌گردد. البته برای سؤالات ۱۵ و ۲۱، کلید معکوس در نظر گرفته می‌شود. برای محاسبه دلبستگی اجتنابی آزمودنی نیز مشابه محاسبه سؤالات اضطراب عمل می‌شود. چنانچه فرد در هر دو مقیاس نمره پایین بگیرد، سبک دلبستگی او ایمن خواهد بود.

یافته‌ها

در بخش اول جدول داده‌های استنباطی شامل ضریب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض آمده است.

جدول شماره ۱: ماتریس همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض

دلبستگی اجتنابی	دلبستگی اضطرابی	دلبستگی ایمن	
۰/۰۹۴	** ۰/۱۹۰	-۰/۱۳۱	شیوه حمله جسمانی
-۰/۰۳۵	* ۰/۱۸۲	** -۰/۲۸۱	شیوه خشونت روانی
-۰/۰۷۸	** -۰/۲۳۵	** ۰/۲۸۶	شیوه مذاکره

** $P < 0.01$

* $P < 0.05$

براساس جدول (۱) مشاهده می‌شود که شیوه‌های حل تعارض با سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی یک رابطه معنادار دارند که قوی‌ترین رابطه در مورد سبک دلبستگی ایمن و شیوه مذاکره در سطح $P < 0.01$ و در جهت مثبت، وجود دارد. همچنین سبک دلبستگی ایمن با شیوه خشونت روانی در سطح $P < 0.01$

رابطه منفی و معناداری را نشان می‌دهد. بین سبک دلبستگی اضطرابی با شیوه‌های حمله جسمانی (در سطح $P < 0/01$) و خشونت روانی (در سطح $P < 0/05$)، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. سبک دلبستگی اضطرابی با شیوه مذاکره رابطه منفی معنادار در سطح $P < 0/01$ را نشان می‌دهد، اما سبک دلبستگی اجتنابی با هیچ یک از شیوه‌های حل تعارض رابطه معنادار ندارد.

در بخش دوم با توجه به وجود رابطه معنادار بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های حل تعارض، به منظور تعیین توان پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی در رابطه با شیوه‌های حل تعارض، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده که نتایج آن در ادامه گزارش شده است.

جدول شماره ۲: نتایج مدل کلی تحلیل رگرسیون برای سبک‌های دلبستگی

در پیش‌بینی شیوه‌های حل تعارض

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	R	R ²	R ²	F	سطح معناداری
شیوه مذاکره	دلبستگی ایمن	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۷	۱۷/۶۸	۰/۰۰۰
	دلبستگی ایمن دلبستگی اضطرابی	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۱۲	۱۴/۲۰	۰/۰۰۰
شیوه خشونت روانی	دلبستگی ایمن	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۰۷	۱۷/۰۱	۰/۰۰۰

براساس یافته‌های جدول (۲)، F مشاهده شده در سطح $P < 0/01$ معنادار است، بنابراین معادله کلی رگرسیون معنادار است. همچنین براساس ضریب تعیین (R²)، سبک دلبستگی ایمن به تنهایی ۸ درصد از واریانس شیوه مذاکره را تبیین می‌کند که با ورود دلبستگی اضطرابی میزان واریانس تبیین شده به ۱۳ درصد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر دلبستگی اضطرابی در حضور دلبستگی ایمن، ۵ درصد از واریانس شیوه مذاکره را تبیین می‌کند. همچنین سبک دلبستگی ایمن ۸ درصد از واریانس

شیوه مذاکره را تبیین می‌کند، اما سبک‌های دلبستگی تبیین‌گر خوبی برای شیوه حمله جسمانی نیستند.

در ادامه برای تعیین توان پیش‌بینی هر کدام از متغیرها از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد که نتایج حاصل از آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول شماره ۳: تحلیل رگرسیون نقش سبک‌های دلبستگی

در پیش‌بینی شیوه‌های حل تعارض

متغیر ملاک	مرحله	متغیر پیش‌بین	BETA	T	سطح معناداری
شیوه مذاکره	گام اول	دلبستگی ایمن	۰/۲۹	۴/۲۰	۰/۰۰۰
	گام دوم	دلبستگی ایمن	۰/۲۷	۳/۹۹	۰/۰۰۰
		دلبستگی اضطرابی	-۰/۲۱	-۳/۱۵	۰/۰۰۲
شیوه خشونت روانی	گام اول	دلبستگی ایمن	-۰/۲۸	-۴/۱۲	۰/۰۰۰

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، دلبستگی ایمن بیشترین توان پیش‌بینی را برای شیوه مذاکره و شیوه خشونت روانی دارد. در واقع می‌توان گفت براساس ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش درنمره دلبستگی ایمن، نمره فرد در شیوه مذاکره ۰/۲۹ افزایش می‌یابد. همچنین به ازای یک واحد افزایش در دلبستگی اضطرابی، شیوه مذاکره ۰/۲۱ کاهش می‌یابد و همین‌طور در مورد شیوه خشونت روانی، به ازای یک واحد افزایش دلبستگی ایمن، شیوه خشونت روانی ۰/۲۸ کاهش می‌یابد. اما در مورد شیوه حمله جسمانی باید گفت که هیچ یک از سبک‌های دلبستگی، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای شیوه حمله جسمانی نیستند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، فرضیه وجود رابطه بین سبک‌های دلبستگی با شیوه‌های حل تعارض، در مورد دو سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی تأیید می‌شود.

براساس نتایج حاصل از محاسبه ضریب همبستگی بین متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی و شیوه‌های حل تعارض، دل‌بستگی ایمن با شیوه مذاکره رابطه مثبت و معنادار و با شیوه خشونت روانی رابطه منفی و معنادار در سطح $P < 0/01$ دارد که این ارتباط در مورد شیوه مذاکره قوی‌تر است. دل‌بستگی اضطرابی قوی‌ترین رابطه را با شیوه مذاکره به صورت منفی و معنادار در سطح $P < 0/01$ دارد و با شیوه خشونت روانی در سطح $P < 0/01$ رابطه مثبت و معنادار دارد و با حمله جسمانی در سطح $P < 0/05$ رابطه مثبت و معنادار دارد. اما دل‌بستگی اجتنابی با هیچ یک از شیوه‌های حل تعارض رابطه معناداری ندارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی با ضریب تعیین $0/29$ برای شیوه مذاکره و شیوه خشونت روانی است و سبک دل‌بستگی اضطرابی با ضریب تعیین $0/06$ فقط در مورد شیوه مذاکره توان تبیین دارد، اما هیچ کدام از سبک‌های دل‌بستگی توان پیش‌بینی شیوه حمله جسمانی را ندارند. همان‌طور که مشاهده شد، بیشترین همبستگی و توان پیش‌بینی شیوه حمله جسمانی ایمن با شیوه مذاکره در جهت مثبت و با شیوه خشونت روانی در جهت منفی می‌باشد. این یافته با یافته‌های زیر همسو می‌باشد: ادیب (۱۳۸۷) در پژوهش خود عنوان می‌کند که افراد با سبک دل‌بستگی ایمن تعارض کمتری را تجربه می‌کنند که علت این امر را با استناد به تحقیق پپتیست و همکاران می‌توان تحلیل کرد. آنها بیان می‌کنند که افرادی که دل‌بستگی ایمن دارند، اغلب می‌توانند مشکلاتشان را به صورت محترمانه و مؤثر حل کنند، آنها زمان معذرت خواهی را تشخیص می‌دهند و مشتاق مصالحه هستند (پپتیست و همکاران، ۲۰۱۲)؛ که این ویژگی‌ها یعنی حل محترمانه مشکل، معذرت خواهی در زمان مناسب و اشتیاق برای مصالحه، همگی از مؤلفه‌های شیوه مذاکره هستند. همچنین یافته‌های زیر به تأیید یافته پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنادار بین سبک دل‌بستگی اضطرابی با شیوه‌های حمله جسمانی و خشونت روانی

و رابطه منفی معنادار با شیوه مذاکره و تأیید نقش پیش‌بینی‌کنندگی دلبستگی اضطرابی برای شیوه مذاکره کمک می‌کنند. بیتیست و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهش خود اثبات کردند که افراد با دلبستگی نایمن اضطرابی نمی‌توانند موقعیت‌ها را به صورت دوستانه مدیریت کنند آنها یا پرخاش می‌کنند یا تمایل به عقب‌نشینی و سکوت دارند. افراد با سبک دلبستگی اضطرابی توجه‌طلب هستند، آنها دست به کارهایی می‌زنند که جلب توجه کنند، حتی اگر این توجه از نوع منفی باشد. همچنین مورفی و والریا (۲۰۱۲)، عقیده دارند که افراد با دلبستگی اضطرابی کیفیت پایین فعل و انفعالات و تعارضات بیشتر با زوج خود را گزارش کرده‌اند. در نتیجه‌گیری کلی پژوهش مورفی و والریا نشان داده شد که افراد با دلبستگی اضطرابی خصومت بیشتری را نسبت به شریک خود تجربه کردند. آنها زمانی که زوجشان خشمگین بود، گرایش به تسلیم داشتند و هنگام آرام‌تر بودن شریکشان، بیشتر جر و بحث می‌کردند. از طرفی، سطوح بالای پریشانی - ناامنی و بی‌اعتنایی - ناامنی می‌تواند خشونت نسبت به زوج را در چهار سال بعد پیش‌بینی کند. همچنین دلبستگی اضطرابی نسبت به والدین با مشکلات روان‌شناختی و ارتکاب به خشونت ارتباط دارند (ارین، آماندا، جوزف و نل، ۲۰۱۰). همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج پژوهش‌ها با یافته پژوهش حاضر همسو است به‌جز نتایجی که مربوط به وجود همبستگی بین دلبستگی اجتنابی و شیوه‌های حل تعارض است که در این تحقیق رابطه‌ای مستقیم بین این متغیرها مشاهده نشد اما با استفاده از پژوهش‌های زیر رابطه غیر مستقیم آنها مشخص می‌شود: افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، بعد از بروز خطا از طرف همسرشان، عکس‌العمل منفی بیشتری در مقایسه با گروه‌های دیگر نشان می‌دهند (سنتا و گابل، ۲۰۰۵)، این یافته را به این صورت می‌توان تبیین کرد که زوجین با سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با زوجین غیر ایمن به‌طور معناداری کمتر از اسنادهای مخرب استفاده می‌کنند (سامر و کوزارلی،

۲۰۰۴)، دل‌بستگی اجتنابی ایجاب می‌کند آنها از استراتژی‌های کناره‌گیری در مواجهه با مشکل و هنگام تهدید رابطه استفاده کنند (برن بام، ویسبرگ و سیمپسون، ۲۰۱۱). بنابراین استفاده از اسنادهای منفی، باعث می‌شود افراد عکس العمل‌های منفی بیشتری بروز دهند (کارین، ۲۰۰۶). در راستای این مطالب، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۱) نیز بیان کردند که سبک دل‌بستگی اجتنابی از طریق اسنادهای ارتباطی علی و راهبردهای حل تعارض بر کیفیت زندگی اثرگذار هستند که این نقش به این صورت است که در واقع زوجین ناایمن براساس مدل‌های ذهنی خود که منبعث از دل‌بستگی ناایمن در روابط اولیه کودکی می‌باشد، در روابط بزرگسالی نیز همواره از ترک و طرد شدن، پذیرفته نشدن و دوست داشتنی نبودن خود و دیگران ترس دارند، لذا پیوسته در زمینه‌های ارتباطی خود گوش به زنگ نشانه‌هایی هستند که روان‌سازهای شناختی آنها را تأیید کند، در نتیجه هنگام وقوع یک گفتگو یا رفتار منفی فعال‌کننده، زوج ناایمن با توجه به این فرضیات ذهنی، اقدام به فرایند اسناددهی به شیوه منفی می‌کند و دلایل رفتار منفی همسر خود را پایدار و غیرقابل تغییر تعبیر می‌کند و آنها را به کل شخصیت او و به کل حوزه‌های روابط او تعمیم می‌دهد. در نتیجه این فرایند پردازش اطلاعات منفی‌گرایانه در ذهن زوج ناایمن، می‌تواند به صورت رفتارها و تعاملات منفی، خشم و دل‌سردی از روابط و تعارض شدید بروز کند که در نهایت باعث کاهش کیفیت زناشویی و عدم رضایت زوجین از رابطه می‌شود.

با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و شیوه‌های حل تعارض و با توجه به اینکه سبک دل‌بستگی ایمن یک پیش‌بینی‌کننده بسیار قوی برای رضایت از زناشویی محسوب می‌گردد (نوس لند، ۲۰۰۴) و اینکه آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش میزان کلی تعارضات زناشویی مؤثر است (بهارى، فاتحی‌زاده، احمدی، مولوی و بهرامی، ۱۳۹۰)، می‌توان از این

پژوهش برای تهیه بسته‌های آموزشی برای زوجین جوان استفاده کرد. همچنین می‌توان به مشاوران و روان‌شناسان محترم پیشنهاد کرد که از این یافته‌ها در مشاوره‌های ازدواج و زوج درمانی استفاده کنند و از آن در تعیین اولویت‌های خود برای درمان بهره ببرند.

منابع

- ۱- ادیب؛ نوشین (۱۳۸۷)، **بررسی و مقایسه الگوهای تعارض زوجین با سبک‌های مختلف دلبستگی در زوجین استان کرمان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا(س).
- ۲- بهاری؛ فرشاد، فاتحی‌زاده؛ مریم، احمدی؛ سیداحمد، مولوی؛ حسین، بهرامی؛ فاطمه (۱۳۹۰)، تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباط همسران بر کاهش تعارض‌های زناشویی زوج‌های متعارض متقاضی طلاق، **مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره**، ۱ (۱)، صص ۷۰-۵۹.
- ۳- پناغی؛ لیلی، دهقانی؛ محسن، عباسی؛ مریم، محمدی؛ سمیه، ملکی؛ قیصر (۱۳۹۰)، **بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس تجدید نظر شده تاکتیک‌های حل تعارض، فصلنامه خانواده‌پژوهی**، ۷(۲۵)، صص ۱۱۶-۱۰۳.
- ۴- پیوسته‌گر؛ مهرانگیز (۱۳۸۵)، **پیش‌بینی اختلال دلبستگی کودکان از روی سبک دلبستگی والدین**، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا(س).
- ۵- تیموری آسفچی؛ علی (۱۳۸۸)، **رابطه بین سبک‌های دلبستگی و خود متمایزسازی با رضایت زناشویی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۶- خجسته‌مهر؛ رضا، کوچکی؛ رحیم، رجبی؛ غلامرضا (۱۳۹۱)، نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی، **مجله روان‌شناسی معاصر**، ۷(۲)، صص ۱۴-۳.
- ۷- دیباجی فروشانی؛ فاطمه سادات، امامی‌پور؛ سوزان، محمودی؛ غلامرضا (۱۳۸۸)، **رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی از زناشویی زنان، فصلنامه اندیشه و رفتار**، ۳(۱۱)، صص ۸۷-۱۰۱.

- ۸- رسولی؛ رؤیا، تقی‌پور؛ ابراهیم (۱۳۸۹)، آشنایی با درمان متمرکز بر هیجان، تهران، انتشارات رشد فرهنگ.
- ۹- شعاع‌کازمی؛ مهرانگیز، سیف؛ سوسن (۱۳۸۹)، خانواده درمانی، تهران، انتشارات پازینه.
- ۱۰- شمس نطنزی؛ علیرضا (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی بر بخشایش‌گری و رضایت زناشویی در زوجین شهر ماسال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- ۱۱- گل‌مکانی؛ ناهید، درمحمدی؛ ملیحه، مظلوم؛ سیدرضا (۱۳۹۲)، بررسی رضایت جنسی و خشنودی زناشویی پس از زایمان در زنان نخست‌زای مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد، مجله زنان؛ نازایی و مامایی، ۱۶(۵۵)، صص ۱۳-۷.

- ۱- Athena, Staik.(۲۰۱۳).How attachment styles in childhood impact your couple relationship? **The journal of psychology science**. [http://www. Psychology today.com/ blog/ compassion-matter](http://www.Psychology today.com/ blog/ compassion-matter).
- ۲- Baptis. J. A, Thompson. D. E, Norton. A.M, Hardy. N. R, Linc. C. D. (۲۰۱۲). **The influences of attachment styles on conflict resolution in adult**. <http://agood therapy.org>.
- ۳- Birnbam, E., Yanna, J., Weisberg, Jeffry, A. Simpson.(۲۰۱۱). Desire under attack: Attachment orientations and the effects of relationship threat on sexual motivations. **Journal of social and personal relationships**. <http://www.sagepublications.com>
- ۴- Birnbaum, E., Mikulincer,M., Gillath,O.(۲۰۱۱). **In and out of a dayaream: Attachment orientations, daily couple interactions and sexual fantasies**. Published by: [http: // www.sagepublications.com](http:// www.sagepublications.com)
- ۵- Erin. M, Amanda. H, Joseph. P, Nell. M.(۲۰۱۰). **The relation of insecure attachment states of mind and romantic attachment styles to adolescent aggression in romantic relationship**. <http://NIHPA Author Manusc ripts.۲۰۵۲۷۲>.
- ۶- Karin .Plessis.(۲۰۰۶). **Attachment and conflict in close relationships: The association of attachment with conflict resolution styles, conflict beliefs, communication accuracy and relationship satisfaction**. Messey university, Albany, New Zealand. Muir.massey.ac.nz/handle/۱۰۱۷۹/۷۱۹.
- ۷- Khoshaba, Debora.(۲۰۱۴). Behaviors that weaken emotional attachment and destroy relationship. **Psychogy in everyday life**.

<http://www.psychologineverydaylief.net/category/relationships/January>

- ۸- Murphy , Valeria.(۲۰۱۲). **Understanding attachment anxiety and paradoxical reactions to conflict with romantic partners.** <http://hdl.Handle.net/۱۹۷۴-۷۳۴۷>.
- ۹- Noslund, B. L.(۲۰۰۴).Paternal social-psychological factors and attachment the mediating role of synchrony in father-in fant interactions, **infant behavior & development**, ۲۵, ۲۲۱-۲۳۶.
- ۱۰- Scenta , A., & Gable, S. (۲۰۰۵). Performance comparisons and attachment: An investigation of competitive responses in close relationships. **Journal of Personal Relationships**, ۱۲, ۳۵۷-۳۷۰.
- ۱۱- Sumer , N., & Cozzarelli, C. (۲۰۰۴). The impact of adult attachment on partner and self-attributions and relationship quality. **Journal of Personal Relationships**, ۱۱, ۳۵۵-۳۷۱.
- ۱۲- Taniguchi , S.T., Freeman, P.A., Taylor, S., & Malcarne, B. (۲۰۰۶). A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoors recreation. **Journal of Experiential Education**, ۲۸ (۳), ۲۵۳-۲۵۶.
- ۱۳- www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid:۱۱۲